تخت تو از ازل پایدار شده است و تو از قدیم هستی. مزمور ۹۳: ۲

خداوند بود و تمام!

خداوند هیچ‌گاه شروع به بودن نکرد! می‌خواهم از شما خواهش کنم با کلمه «آغاز» کمی کلنجار روید و به آن فکر کنید. «در ابتدا خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید» (پیدایش ۱: ۱)، ولی خود خداوند هرگز بودن را آغاز نکرده است! «آغاز» کلمه‌ای است که هیچ ربطی به خداوند ندارد و هیچ تأثیری بر او نمی‌گذارد. مفاهیم و مسائل بسیاری هستند که مانند همین «آغاز» یا «خلق شدن» هیچ ربطی به خداوند ندارند و تأثیری بر او نمی‌گذارند.

در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید- ولی قبل از ابتدا هیچ «ابتدای» دیگری وجود نداشت؛ هیچ «قبلی» هم وجود نداشت! الهیدانان گذشته می‌گفتند که ابدیت یک حلقه است. هر چه پیش می‌رویم در این حلقه جلو می‌رویم ولی پیش از اینکه هیچ حلقه‌ای وجود داشته باشد، خدا بود. خداوند شروع به بودن نکرد بلکه خدا بود. هیچ زمانی وجود نداشته است که خداوند نباشد. همچنین هیچ زمانی وجود ندارد که خداوند شروع شده باشد؛ خداوند فقط هست! هرگز کسی نگفته است «خداوند باشد» و خداوند به وجود بیاید. بلکه برعکس، خداوند گفت که همه چیز باشد و همه چیز به وجود آمد.

درک ابد و ازل برای ما دشوار است چون در قید زمان هستیم. درک خلق نشدن و وجود داشتن هم برای ما بسیار سخت است چون خودمان مخلوق هستیم و در لحظه‌ای خاص به وجود آمده‌ایم و تمام دنیای اطرافمان نیز به وجود آمده است. ولی با این حال تفکر به موضوع ابدیت خداوند و حضور ازلی او باعث می‌شود فروتنی ما در مقابل ذات والا، ازلی و لایتناهی خداوند بیشتر شود و هر روز که درباره این موضوع تعمق می‌کنیم او را بیشتر از دیروزمان دوست بداریم.

## ای پدر آسمانی، تو فراتر از فهم و درک من هستی و شایسته پرستش و ستایش! تو با فدا کردن همه چیزت برای من، مرا عاشق خود ساختی و محبت واقعی را به من نشان دادی! ولی با این همه ضعیفم و گناه می‌کنم؛ ای قدوس بی‌همتا مرا ببخش و کمکم کن تا به تو نزدیک‌تر شوم و با کمک روح مقدست بیشتر به شباهت تو درآیم، آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*